

اشعار پور فریدون در نسخه‌های چاپی اشعار باباطاهر

جمشید صداقت کیش

عضر هیات علمی دانشگاه شیراز

چکیده

پور فریدون در اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری قمری می‌زیسته و از کردهای فارس بوده است. شرح حال مختصر وی در هشت تذکره آمده و چند دو بیتی وی به عنوان نمونه اشعار او را آورده اند.

نکته حائز اهمیت آن است که این شاعر ارباب عرفان و توحید به همان زبان باباطاهر یعنی یکی از لهجه های زبان پهلوی و به همان وزن اشعار باباطاهر شعر می‌سروده و همین تشابه سبب شده که اشعار وی با اشعار باباطاهر مخلوط شود و در بعضی از نسخه های اشعار باباطاهر به نام باباطاهر چاپ شود.

در این مقاله، شرح حال فریدون و دو بیتی های وی، منطقه جغرافیائی او و همچنین کسانی که برای نخستین مرتبه به تداخل اشعار پور فریدون و باباطاهر پرداخته اند با نکات دیگری آمده است.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی-پژوهشی

مقدمه

پور فریدون شاعری دردناک، عارف موحد، مجرد مرشد و واقف سخن پرداز است که بر هر سخنش رازی می‌باشد. وی در اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم می‌زیسته است و از کردهای فارس بوده است.

نکته حائز اهمیت آن است که پور فریدون، این شاعر ارباب عرفان و توحید، به همان زبان باباطاهر یعنی یکی از لهجه‌های زبان پهلوی و به همان وزن اشعار باباطاهر، شعر می‌سروده و همین تشابه سبب شده که اشعار وی با اشعار باباطاهر ترکیب شود و در بعضی از نسخه‌هایی که از باباطاهر باشد، اشعار پور فریدون چاپ می‌شود.

نخستین درک کننده این راز

نخستین کسی که به راز تداخل اشعار پور فریدون در اشعار باباطاهر پی برده است، دکتر پرویز ناتل خانلری می‌باشد که ضمن پژوهشی تحت عنوان "دو بیتی‌های باباطاهر" به این مطلب دست می‌یابد.^۱

خانلری ابتدا پاره‌ای از دو بیتی‌ها را مورد تردید قرار می‌دهد و می‌گوید، برخی از آنها از باباطاهر نیست^۲ و دو بیتی زیر را از پور فریدون می‌داند:

عزیزا مردی از نامرد نایی فغان و ناله از بسی درد نایی

حقیقت بشنو از پور فریدون که شعله از تنور سرد نایی^۳

و دو بیتی:

بوره کزدیده جیحونی بسازیم بوره لیلی و مجنوبی بسازیم

فریدون عزیز از دست مورفت بوره از نو فریدونی بسازیم

شاید از پور فریدون باشد.^۴

^۱ پیام نو، سال اول، شمار ۸، آبان ۱۳۲۴، صص ۳۲-۲۶.

^۲ همان منبع، ص ۲۷.

^۳ همان منبع، ص ۲۹.

^۴ همان منبع، ص ۳۰.

دومین نفری که بحثی از این مقوله تداخل می‌کند، سعید نفیسی است که بلافاصله پس از انتشار مقاله خانلری، مقاله‌ای در همان مجله^۱ می‌نویسد و این مسئله را مطرح می‌کند.

پور فریدون در تذکره‌ها

کهن ترین اثر

کهن ترین اثری که درباره پور فریدون، شرحی می‌نویسد و نامی می‌برد، فرهنگ جهانگیری است که تألیف جمال الدین حسین بن فخر الدین حسن اینجو می‌باشد و در سال ۱۰۰۵ هـ.ق. تألیف یافته است.

در این فرهنگ زیر واژه "لو" (=low = تحریف شده لب)، تک بیٹی از پور فریدون^۲ به عنوان شاهد آورده است. بدین صورت:

مخلف خالد از مو لو شکر کفاخش حاجت وصف بنده نی هو که حشن محاش^۳



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ همان منبع، ۱۲۲۴، شماره ۱۱ (به نقل از اورنگ، م. سروده‌های باباطاهر همدانی، بی جا، بی نا، بی تا صص ۵۱-۵۰).

^۲ در این فرهنگ "فریدون" آمده است.

^۳ پیام نو، ۱۲۲۴، شماره ۱۱ (به نقل از: اورنگ، م. ص ۵۲).

البته تردیدی نیست که این بیت کاملاً تحریف شده است به گونه‌ای که تصحیح آن امکان پذیر نیست و حتی در فرهنگ جهانگیری چاپی نیز به نحو بدتری این شعر آمده است.^۲

اثری دیگر

پس از فرهنگ جهانگیری، شرح مختصری از این شاعر شوریده در کتاب نظم گزیده اثر محمد صادق ناظم تبریزی آمده است. ناظم تبریزی که خود از شاعران درجه دوم بوده است، به دستور شاه عباس بزرگ مأمور گرد آوری اشعار شاعران ایران می‌شود و کتاب خود را در سال ۱۰۲۶ هـ.ق. به پایان می‌رساند. وی چنین می‌نویسد:

«پور فریدون از اکراد فارس است. خالی از شوریدگی و حالتی نبوده. سخنانش بوی درد دارد و این چند شراره از گفتار اوست:

عزیزا مردی از نامردی نایی فغان و ناله از بی درد نایی
حقیقت بشنو از پور فریدون که شعله از تنور سرد نایی

^۱ چاپ لکنهو، ۱۲۹۲، هـ.ق، ج ۲، ص ۲۲۲ (به نقل از: همان، همان ص).

^۲ در نسخه چاپی فرهنگ جهانگیری این چنین آمده است:

مختلف سال دارم لور شکر کفاخش حاجت وصف بنده بی هر که حسن مجاخش

سعید نفیسی می‌افزاید که در نسخه خطی، شعر بالا را این چنین دیده است:

مخلف خال دارم لور شکر کفاخش حاجت وصف بنده نی هر که خشن مجاخش

وی سپس اضافه می‌کند که در نسخه خطی دیگری از علی اصغر حکمت، شعر مزبور چنین آمده است:

مخلف خال دارم لور شکر کفاخش حاجت وصف بنده نی هر که خشن مجاخش^۲

(همان، همان ص)

با تمام این تفاسیر مشخص است که این بیت مخدوش است و اصل آن قابل تشخیص نیست.

عزیزا رخنه در سندان کند عشق مرس^۱ در گردن شیران کند عشق
گدا و پادشا و میرو درویش

دلا تا من و سرد دارم دم ته ندارم عالمی جز عالم ته
جهان بشی و دل بشی و جان شی

ز دیلم گر صبوری کم نبودی به چشمم چشمه زمزم نبودی
ندارم غم خوری کز غم فگارم گرم غم خواره بودی غم نبودی

دلا جز شوق تو بازم نیازم بجز تو وا کسی سازم نسازم
تویی ناز و نیاز هر دو کونم بجز وصلت ز حق خوازم نخوازم

در آ از گرد گردون وارهانم دمی از خاک و از خون وارهانم
چه ام پیچیده‌ای پور فریدون ازین پور فریدون وارهانم

نسخه خطی دیگر

جنگ خطی از کاتبی به نام ملا عبدالصمد ساروی از سده یازدهم هجری باقیمانده
که اشعار پور فریدون را بدین صورت ثبت کرده است:

عزیزا مردی از نامرد نایی فغان و ناله از بی درد نایی
حقیقت بشنو از پور فریدون که شعله از تنور سرد نایی

^۱مرس (به فتح اول و دوم جمع مرسه) یعنی طناب و ریسمان درشت، افسار و بند.

بوره کز دیده جیحونی بسازیم بوره لیلی و مجنونی بسازیم

فریدون عزیز از دست مو رفت بوره از نو فریدونی بسازیم

مورا نه فکر سودائی نه سودی نه در دل فکر بهبودی نه بودی

نخواهم جو کنار و چشمه ساران که هر چشمم هزاران زنده رودی

صفاهونم، صفاهونم، چه جائی که هر یاری گرفتم بی وفائی

شوم یکسر بروم تا بشیراز که در هر منزل صد آشنائی

اگر چون موم صد صورت پذیرم بهر صورت به دل نقش تو گیرم

تو تا بخت منی هرگز نخواهم تو تا عمر منی هرگز نمیرم

مواز قالوا بلی تشویش دیرم گنه از برگ و باران بیش دیرم

چرفردا نومه خونون نومه خون مو در کف نومه سر در پیش دیرم

اگر مستان مستم از ته ایمان و گر بی پا و دستم از ته ایمان

اگر گوریم و ترساور مسلمان بهر ملت که هستیم از ته ایمان

خوشا آنان که الله یارشون بی بحمد و قل هو الله کارشون بی

خوشا آنان که دایم در تعازن بهشت جاودان بازارشون بی

کشیمان گر بزاری از که ترسی برونی گر بخواری از که ترسی

به این نیمه دل از کس مو ترسم دو عالم دل ته داری از که ترسی

عاشق اون بی که دایم در بلایی ایوب اسما بکرمون مبتلا بی
حسن اسما بنوشه کاسه زهر حسین آسا شهید کربلا بی

باین بی آشنائی بر کیانشم باین بی خانمانی بر کیانشم
همه گر مو برونن و اته آیم ته از در گر برونی واکیانشم

بوره سو ته دلان تا بنالیم بیا پروانه با ما تا بنالیم
ز عشق آن گل رعنا بنالیم ز دست یار بی پروا بنالیم

ز خور این چهاره افروته تربی تیر عشقت بجانم روته تربی
مرا اختر بود خال سیاهت ز مو یارا که اختر سوته تربی^۱

پور فریدون در آتشکده آذر

لطفعلی بیگ آذر بیگللی (متوفی ۱۱۹۵ هـ.ق) در آتشکده آذر می‌نویسند:

«پور فریدون از ولایت فاس و اهلیتش چون خاکش پاک و کلامش چون دلش
دردناک. عارفیست معارف و مرشدیست واقف در طریقه سخن پردازی اما سخنانش
به زبان رازی. گاهی دو بینی می‌گفته از اوست:

هر آنکو لعل یارش هالو آمه دمام بر تنش جان نو آمه
بسر شد ظلمت پور فریدون که در بالین مهش نیمه شو آمه

فغان و ناله از بی در نائی

که شعله از تنور سرد نائی»^۱

عزیزا مردی از نامرد نائی

حقیقت بشنو از پور فریدون

پور فریدون در تذکره مرآت الفصاحه

شیخ مفید (داور) در سال ۱۲۱۶ هـ.ق. در کتاب خود تذکره مرآت الفصاحه درباره

پور فریدون چنین می‌نویسد:

«پور فریدون شیرازی - مردی موحد و مجرد بوده، اما شعرش به زبان رازی

است:

من ابیاته

دما دم بر تنش جانی نو آیه

که بر بالین حورش نیم سوايه^۲

هر آنکو لعل یادش هالوایه

به سر شد ظلمت پور فریدون

فغان و ناله از بی درد نایی

که شعله از تنور سرد نایی»^۲

عزیزا مردی از نامرد نایی

حقیقت بشنو از پور فریدون

^۱ تهران: امیر کبیر، ۱۳۳۷، ص ۲۷۱ (به نقل از: شرح احوال و آثار دو بیته‌های باباطاهر عریان، به

کوشش جواد مقصود، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶، ص ۱۵).

^۲ بایستی واژه 'شو' یعنی شب باشد و کاتب نقطه‌های 'ش' را فراموش کرده است. (پژوهشگر مقاله)

^۳ طاروسی، محمود (دکتر)، مرآت الفصاحه، شیراز: نوید، ۱۳۷۱، ص ۷۲۸.

پور فریدون در تذکره روز روشن

در تذکره روز روشن، محمد مظفر حسین صبا نیز چنین نوشته است:

«از شعراء قدیم و ارباب عرفان و توحید بوده، او راست:

عزیزا مردی از نامرد نائی فغان و ناله از بی درد نائی

حقیقت بشنو از پور فریدون که شعله از تنور سرد نائی»^۱

پور فریدون در شکرستان

شعاع شیرازی، در تذکره شکرستان پور فریدون را شیرازی می‌داند و می‌افزاید

که اشعار وی به شیوه باباطاهر است.^۲

شعاع شیرازی، چهار دو بیتی از پور فریدون نوشته که دو دو بیتی آن در آثار

پیشین دیده نمی‌شود. بدین شرح:

بگو پدو فریدون یارت آمد درخت سبز گوهر بارت آمد

بده انگشترت را مزه گانی رفیق غمخور و غمخوارت آمد

برادر با رفیق بد مکن خو به حاجت پیش نامردان مکن رو

حقیقت گویدی پور فریدون گل پس مانده کس را مکن بو

هر آنکو لعل یارش بالو آمه دمدام بر تنش جانی نو آمه

بسر شد ظلمت پور فریدون که در بالین مهش نیمه شو آمه

^۱ تذکره روز روشن، ص ۱۴۰ (به نقل از: تذکره مرآت الفصاحه، ص ۷۲۸).

^۲ شکرستان پارس، نسخه خطی، حرف پ (به نقل از: اورنگ، م، ص ۵۷).

عزیزا مردمی از نامرد نائی
فغان و ناله از بیی درد نائی
حقیقت بشنو از پور فریدون
که شعله از تنور سرد نائی^۱

پور فریدون در تذکره سر آمدان سخن

یکی از تذکره نویسان به نام حسین دانش در کتاب سر آمدان سخن (به زبان ترکی) با آوردن شرح مختصری و نیز افزودن دو دو بیتی از او: هر آنکو لعل یارش ... و عزیزا مردی ... وی را اهل ری دانسته است.^۲

پور فریدون در تاریخ نظم و نثر در زبان فارسی سعید نفیسی در کتاب تاریخ نظم و نثر در زبان فارسی تا پایان دهم هجری می‌نویسد:

«پور فریدون از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم و از کردان فارس بوده و برخی دو بیتی‌ها به زبان پهلوی فارسی از او به ما رسیده است».^۳

پور فریدون هم سطح باباطاهر

جلال همایی، پور فریدون را هم سطح باباطاهر ذکر می‌کند و می‌افزاید که از سراینندگان اشعار پهلوی بوده است. وی چنین شرح می‌دهد:

«شعرانی که بعد از اسلام گاهی یا غالباً اشعار فهلویات ساخته اند از قبیل: بندار رازی، باباطاهر همدانی، روز بهان شیرازی، پور فریدون، محمد صوفی مازندرانی و محمود قاری و امثال آنها بسیار می‌توان پیدا کرد».^۴

^۱ اورنگ، م، ص ۵۸

^۲ چاپ ترکیه، ص ۲۴ (به نقل از: جواد مقصود، صص ۱۶-۱۵).

^۳ تهران: فررغی، جلد اول، ۱۳۴۴، ص ۲۲۴ (به نقل از: دکتر جواد مقصود، ص ۱۵).

^۴ تاریخ ادبیات ایران، تبریز، ج ۲، ص ۲۹۹ (به نقل از: جواد مقصود، ص ۱۵).

غیر از آثار فوق اشعار و شرح حال پور فریدون در نسخه خطی ریاض الحسنه زنوزی تبریزی، از مجموعه کتابخانه نجوانی تبریز، در روضه پنجم، قسم دوم آمده است.^۱ که مطلب ندارد.

زمان پور فریدون

سعید نفیسی به استناد شعرایی که نام آنها با پیشوند «پور» شروع می‌شود و دو نفر به نامهای پوربهای جامی و پور حسن اسفراینی بوده‌اند و در نیمه دوم سده هفتم هجری می‌زیسته‌اند، اظهار می‌دارد که تخلص شاعرانه‌ای که با کلمه «پور» آغاز می‌شود، بیشتر در اواخر سده هفتم و شاید اوایل سده هشتم متداول بوده است. بنابراین وی احتمال می‌دهد که پور فریدون در اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم می‌زیسته است.^۲

مکان زیست پور فریدون

در لابه لای آثاری که معرفی کردیم، پور فریدون را شیرازی و رازی (اهل ری) دانسته‌اند اما سعید نفیسی براساس نوشته کتاب نظم گزیده که پور فریدون را از اکراد فارس ذکر کرده نظر می‌دهد:

«که چون وی از نژاد کرد بوده و چون کردان در زمانهای قدیم در نواحی مختلف فارس و از آن جمله قسمتی در ناحیه آباده و ایزدخواست [از شهرستان آباده] و قسمتی در ناحیه شبانکاره و قسمتی دیگر در مجاورت کرمان و در ناحیه شهر بابک می‌زیسته‌اند، به قطع و یقین نمی‌توان گفت پور فریدون از مردم کدام ناحیه از فارس بوده است. اما در قرن هشتم بیشتر کردان فارس ساکن ناحیه شمالی آن سرزمین، در میان آباده و ایزدخواست بوده‌اند و ممکن است که پور فریدون هم در همین ناحیه زیسته باشد.»^۳

^۱ تذکره مرآت الفصاحه، ص ۷۲۸.

^۲ پیام نر، ۱۳۲۴، شماره ۱۱ (به نقل از اورنگ، م، ص ۵۴).

^۳ پیام نر، ۱۳۲۴، شماره ۱۱ (به نقل از اورنگ، م، صص ۵۵ - ۵۴).

براساس منابع و مآخذ موجود از مسالک و ممالکهای سده سوم و چهارم و فارسنامه ابن بلخی و همچنین نزهت القلوب، کردان که حدود ۵۰۰ هزار نفر بوده اند، در بین شهر استخر (۷/۵ کیلومتری شمال تخت جمشید) و ۲۰ کیلومتری شمال شهر آباده که روستایی به نام شورجستان (Surjestan شولگستان محاوره‌ای آن) و حداکثر تا شهر ایزدخواست (۶۶ کیلومتری شمال شهر آباده) پراکنده بوده اند و براساس نوشته ابن بلخی، در آن واحد می‌توانسته اند ۲۰۰ هزار نفر سلاح ورز برای جنگ آماده کنند.

تا آنجا که می‌دانیم کردان، از دوره ساسانیان تا سده هشتم هجری قمری در همین ناحیه زندگی می‌کرده اند.^۱

بنابراین نظریه سعید نفیسی در مورد محل زندگی پور فریدون تأیید می‌شود. نکته دیگر که مطلب زیستگاه پور فریدون را بیشتر تأیید می‌کند، دو بیتی زیر است: صفا هونم، صفا هونم، چه جایی که هر یاری گرفتیم بی وفایی شوم یکسر برونم تا شیراز که در هر مترلم صد آشنایی با توجه به اینکه پور فریدون از اصفهان تا شیراز، در هر منزل، (فاصله منزل تا منزل ۱۸ تا ۲۴ کیلومتر) صد آشنا داشته، تردیدی نیست که محل زیستگاه وی در میان هم نژادان کرد او را در همین ناحیه بوده است.

پور فریدون پدر باباطاهر

با توجه به آنچه که گذشت و براساس ابیات زیر، برخی از تذکره نویسان پور فریدون را پدر بابا طاهر دانسته اند:

عزیزا مردی از نامرد نائی قغان و ناله از بی درد نائی
حقیقت بشنو از پور فریدون که شعله از تنور سرد نائی
بوره کز دیده جیحونی بسازیم بوره لیلی و مجنونی بسازیم

^۱ از پژوهشهای ۲۲ ساله پژوهشگر این مقاله در مورد فارس.

فریدون عزیز از دست مو رفت بوره از نو فریدونی بسازیم
 از جمله کسانی که پور فریدون را پدر باباطاهر دانسته اند، آقا بزرگ طهرانی
 صاحب العذریه می‌باشد که درباره دیوان باباطاهر چنین می‌نویسد:
 «و هو باباطاهر الهمدانی ابن فریدون کما یظهر من شعره قال فی (مع اص ۳۲۶) انه
 کان حياً فی ۴۱۰ و فی شاهد صادق انه مات ۴۱۰...»^۱
 ترجمه آن چنین است:

و او باباطاهر همدانی غرزند فریدون است که از اشعارش پیداست (نگاه کنید به
 ص ۳۲۶) وی در ۴۱۰ [هـ.ق] حیات داشته و شاهد صادق داشته که در ۴۱۰ [هـ.ق] در
 گذشته است.

شخص دیگری که بعد از آقا بزرگ طهرانی، پور فریدون را پدر باباطاهر دانسته
 است، وحید دستگردی است که در چکامه «ابن سینا» خطاب به شهر همدان چنین
 می‌سراید:

ای کاخ سسـخنوران دانا وی عرش کنوز علم بیچون
 ای مدفن پاک ابن سینا وی مسقط پور آفریدون
 مسعود و بدیع از تو پیدا عین القضاة در تو مدفون^۲
 دکتر جواد مقصود در هاشم این شعر می‌افزاید:

«مراد از پور فریدون باباطاهر است زیرا بنا به معروف نام پدر بابا فریدون بوده
 ... [است].»^۳

م. اورنگ با دو بینی:

عزیزا مردی از نامرد نایی فغان و ناله از بی درد نایی
 حقیقت بشنو از پور فریدون که شعله از تنور سرد نایی

^۱ الذریعه تهران: طهورین جلد الف، ۱۳۹۱ هـ.ق. ص ۱۵۹ (به نقل از: جواد مقصود، صص ۱۴-۱۵).

^۲ محله ارمغان، سال نهم، شماره اول، ۱۳۰۷ (به نقل از: جواد مقصود، ص ۵).

^۳ همان، هاشم همان ص.

و نیز دو بیتی:

بوره کز دیده جیحونی بسازیم بوره لیلی و مجنونی بسازیم
فریدون عزیز از دست مر رفت بوره از نو فریدونی بسازیم
پدر باباطاهر را فریدون می‌داند و حتی دومی را حدس می‌زند که باباطاهر برای از دست دادن پدرش سروده است.^۱
با تمام این تفاسیر، نظریه همه آنها رد می‌شود.

بررسی اشعار پور فریدون

برای بررسی کامل و همه جانبه اشعار این شاعر، به دیوان او نیاز داریم که تا کنون از وی دیوانی دیده نشده است. دو دیگر غیر از دو بیتی‌هایی که در صفحات پیش آمد و بسیار اندک است، اشعار دیگری از او دیده نشده است. ضمناً این دو بیتی‌ها هم یکنواخت نیست. از سوی دیگر این دو بیتی‌هایی هم که در حال و هوای دو بیتی‌های باباطاهر می‌باشد و بیشتر در نسخه‌های چاپ شده باباطاهر دیده می‌شود، می‌توان وی را چکامه سرای گمنام و بومی سرا دانست.^۲

اشعار پور فریدون

افزون بر آن چند دو بیتی به نام پور فریدون موجود است که در نسخه‌های چاپ شده باباطاهر نیامده است و بررسی این اشعار به سادگی انجام می‌پذیرد.

چنین دو بیتی‌هایی که ویژه خود پور فریدون است به شرح زیر می‌باشد:

عزیزا رخنه در سندان کند عشق مرس در گردن شیران کند عشق
گدا و پادشا و میر و درویش همه با خاک و خون یکسان کند عشق

^۱ اورنگ، م، ص ۶۲

^۲ اورنگ، م، ص ۵۹

دلا تا من و سرد دارم دم ته ندارم عالمی جز عالم ته
جهان بشی و دل بشی و جان شی نشی نشی ز دل شوق غم ته

ز ديلم گر صبوری کم نبودی به چشم چشمه زمزم نبودی
ندارم غمضواری کز غم فگارم گرم غمضواره بودی غم نبودی

دلا جز شوق تو بازم نیازم بجز تو واکسی سازم نسازم
تویی ناز و نیاز مرد و کونم بجز وصلت ز حق خوازم نخوازم

در آ از گرد گردون وارهانم دمی از خاک و از خون وارهانم
چه ام پیچیده‌ای پور فریدون ازین پور فریدون وارهانم

هر آنکو لعل یارش هالو آمه دمادم بر تنش جانی نو آمه
بسر شد ظلمت پور فریدون که در بالین خورش نیمه شو آمه

مخلف خالدار مولو شکر و کفاخش حاجت و صف بنده نی هر که خش مجاخش

اگر چون موم صد صورت پذیرم به هر صورت به دل نقش تو گیرم
تو تا بخت منی هرگز نخوابم تو تا عمر منی هرگز نمیرم

بگو پور فریدون یارت آمد درخت سبز گوهر بارت آمد
 بده انگشترت را مزدگانی رفیق غمخور و غمخوارت آمد

برادر با رفیق بد مکن خو به حاجت پیش نامردان مکن رو
 حقیقت گویدی پور فریدون گل پس مائده کس را مکن بو

اشعار پور فریدون در نسخه‌های باباطاهر

برای تشخیص سراینده اینگونه اشعار، لازم است هر دو بیتی را به تنهایی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم اما پیش از وارد شدن به این مبحث بایستی گفت که بیشتر دو بیتی‌های نسخه خطی ملا عبدالصمد ساروی که به نام پور فریدون آمده است از آن باباطاهر می‌باشد.^۱

تجزیه و تحلیل اشعار پور فریدون
 حال به بررسی دو بیتی‌ها بپردازیم:
 ۱- دو بیتی:

عزیزا مردی از نامرد نمایی فغان و ناله از بی درد نایی
 حقیقت بشنو از پور فریدون که شعله از تنور سسرد نایی

براساس مطالعات م اورنگ، این دو بیتی در ۱۱ نسخه باباطاهر آمده است که نخستین نسخه آن، نسخه خطی به شماره ۹۱۹۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (شماره یک) می‌باشد که در سال ۱۲۲۲ هـ ق نوشته شده است.

این دو بیتی در شش نسخه به نام پور فریدون آمده است و در چهار نسخه به نام طاهر قلندر اما چون در کتاب نظم گزیده به نام پور فریدون آمده است آنرا جزو

اشعار پور فریدون به حساب می‌آوریم.^۱ خانلری نیز آن را از پور فریدون دانسته است.^۲

۲- دو بیتی:

بوره گز دیده جیحونسی بسازیم بوره لیلی و مجنونسی بسازیم
فریدون عزیز از دست مو رفت بوره از نو فریدونسی بسازیم

سعید نفیسی احتمال می‌دهد که در مصراع چهارم دست برده باشند و اظهار نظر می‌کند که شاید در اصل این چنین بوده است: بوره پور فریدونی بسازیم. وی سپس می‌افزاید که کاتبان پور فریدونی را تبدیل به تو فریدونی کرده‌اند.^۳

با توجه به اینکه در نسخه ملا عبدالصمد ساروی به نام پور فریدون آمده است و خانلری،^۴ سعید نفیسی و م. اورنگ این دو بیتی را از آن پور فریدون دانسته‌اند، دیگر بحثی در این مورد نداریم.^۵

۳- دو بیتی:

صفا هونم صفا هونم چه جایی که هر یاری گرفتم بی وفائی
شوم یکسر برونم تا به شیراز که در هر منزل صد آشنائی

با توجه به اینکه تنها در دو نسخه از مجموعه نسخه‌ها این دو بیتی به نام باباطاهر آمده است، تردیدی نداریم که این دو بیتی از آن پور فریدون است.^۶ ضمناً

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ همان، صص ۶۳-۶۲.

^۲ دو بیتی‌های باباطاهر، ص ۲۹.

^۳ پیام نو، ۱۳۲۴، شماره ۱۱ (به نقل از اورنگ، م، ص ۵۲).

^۴ پیام نو، شماره ۸ (به نقل از: همان، ص ۶۲).

^۵ خانلری می‌گوید شاید از پور فریدون باشد. (دو بیتی‌های باباطاهر، ص ۳۰).

^۶ یکی جیب خطی شماره ۵۵۲۶ کتابخانه ملک، مورخ ۱۲۹۷ هـ ق و دیوان چاپی باباطاهر پیوست سال

هفتم مجله آرمغان (به نقل از: اورنگ، م، ص ۶۴).

^۷ اورنگ، م، ص ۶۴.

حدود منطقه زیستگاه پور فریدون را هم با همین دو بیت می‌شناسیم که رد پای از آشنایی باباطاهر با این نقاط نداریم.^۱

اگر چو موم صد صورت پذیرم بهر صورت به دل نقش تو گیرم
تو تا بخت منی هرگز نخواهم تو تا عمر منی هرگز نمی‌گیرم

خانلری می‌گوید این دو بیت از باباطاهر نیست و ذکری هم از نام سراینده نمی‌کند.^۲

چون این دو بیت در تمام آثار خطی و چاپ به نام باباطاهر نیامده است بنابراین سراینده آن را پور فریدون می‌دانیم.^۳

۵- دو بیت:

عاشق او بی که دایم در بلایی ایوب اسبا به کرمون مبتلا بی
حسن آسا بنوشه کاسه زهر حسین آسا شهید کربلایی

این دو بیت در ۱۷ نسخه به نام باباطاهر است اما چون در نسخه ملا عبدالصمد ساروی به نام پور فریدون آمده است، آنرا جزو سروده‌های پور فریدون به حساب می‌آوریم.^۴

۶- دو بیت:

ز خور این چهره ات افروته تری تیر عشقت بجانم دو ته تری
مرا اختر بود خال سیاهت ز مویارا که اختر سوته تری

این دو بیت در ۱۲ نسخه متفاوت به نام باباطاهر آمده است که چون نسخه ملا عبدالصمد ساروی، سراینده آنرا پور فریدون دانسته ما نیز آن را جزو اشعار پور فریدون می‌دانیم.^۵

^۱ خانلری (در بیتهای باباطاهر، ص ۲۰) می‌گوید شاید سراینده این دو بیت اصفهانی باشد.

^۲ خانلری، همان ص ۲۷.

^۳ ارننگ، م، ص ۶۴.

^۴ خانلری (همان، ص ۲۷) این دو بیت را از باباطاهر می‌داند.

^۵ همان، ص ۶۷.

۷- دو بیٹی:

مورانہ فکر سودائی نہ سودی نہ در دل فکر بہبودی نہ بودی
 نخواہم جو کنار و چشمہ ساران کہ ہر چشم ہزاران زندہ رودی
 در تمامی ۱۷ نسخہ، این دو بیٹی بہ نام باباطاہر آمدہ است و ابدأ ذکرہ از نام
 پور فریدون نشدہ است.^۱ البتہ م اورنگ اصل این دو بیٹی را بدین صورت آورده
 است:

مرا در سر نہ سودائی نہ سودی نہ در دل فکر بہبودی نہ بودی
 نخواہم زندہ رود و باغ کاران کہ ہر چشم ہزاران زندہ رودی^۲
 ضمناً پژوهشگر مزبور متذکر می‌شود کہ باغ کاران، باغی باستانی در اصفہان
 بودہ و چون نسخہ برداران از آن آگاهی نداشتہ اند، آن را تغییر دادہ اند.^۳
 خانلری سراینده آنرا اصفہانی می‌داند.^۴ اما با توجہ بہ سایر دو بیٹی‌ہای باباطاہر
 کہ در آنها آدرس و نشانی از محلی ذکر نمی‌کند، بہ نظر پژوهشگر این مقالہ و با
 رعایت دو بیٹی: صفاہونم، صفا ہونم بایستی این دو بیٹی از پور فریدون باشد.

دو بیٹی‌ہای باباطاہر

با توجہ بہ جدا سازی اشعار پور فریدون، بقیہ دو بیٹی‌ہای باباطاہر می‌باشد.
 بدین ترتیب:

۱- دو بیٹی:

مو از قالوا بلی تشویش دیرم گنہ از بزرگ و بارون بیش دیرم
 چو فردا نومه خونون نومه خونن مو در کف نومه، سر در پیش دیرم

^۱ همان، ص ۶۲^۲ همان، ص ۶۲^۳ همان، ص ۶۲^۴ دو بیٹی‌ہای باباطاہر، ص ۲۰.

با توجه به آهنگ دو بیتی که شیوه باباطاهر است و در ۳۷ نسخه به نام او ثبت شده و نیز کهنگی بیت اول تردید نداریم که سراینده این دو بیتی باباطاهر می‌باشد.^۱ خانلری نیز آنرا از باباطاهر می‌داند.^{۲ و ۳}

۲- دو بیتی:

اگر مسان مستم از ته ایمان و گر بی پا و دستم از ته ایمان
اگر گوریم و ترسا ور مسلمان به هر ملت که هستیم از ته ایمان

این دو بیتی به نام باباطاهر ثبت شده است و کهن ترین اثر جنگ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (شماره یک) به شماره ۱۰۹۷ که در سال ۹۳۰ هـ.ق. نوشته شده، به نام باباطاهر آمده است.^۴

۳- دو بیتی:

خوشا آنان که الله یارشون بی بحمد و قل هو الله کارشون بی
خوشا آنان که دایم در نمازن بهشت جاودان بازارشون بی

در همان جنگ خطی نگارش یافته در سال ۹۳۰ هـ.ق، به شماره ۱۰۹۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (شماره یک) این دو بیتی به نام باباطاهر ثبت شده است.^۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ اورنگ، م، صص ۶۵-۶۴

^۲ دو بیتی‌های باباطاهر، ص ۲۸.

^۳ م. اورنگ از روی جنگ خطی کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار به شماره ۲۹۱۲ که در سال ۱۱۶۱ هـ.ق نوشته شده، بیت اول این دو بیتی را چنین تصحیح کرده است.

از از قالو بسلا اندیشش دارم گننه از ولگ داران بییش دارم

(اورنگ، م، صص ۶۵-۶۴)

^۴ اورنگ، م، صص ۶۵

^۵ همان، همان صص

۴- دو بیت:

کُشیمان گز بزاری از که ترسی برونی گر بخواری از که ترسی
به این نیمه دل از کس مو ترسم دو عالم دل ته داری از که ترسی

این دو بیت در جنگ کهنه ارشادی که در سال ۱۲۶۰ هـ ق نوشته شده، به نام باباطاهر آمده است.^۱

در کتاب المعجم فی معابیر آثار العجم اثر شمس الدین محمد قیس رازی که از سده هفتم هجری قمری است چند ترانه از فهلویات آورده و آنها را از زبان مردم همدان ذکر کرده است بنابراین با توجه به اینکه در این اثر نامی از باباطاهر نبرده، کاملاً مشخص است که از اشعار باباطاهر می‌باشد.^۲ ضمناً خانلری هم آن را از دو بیت‌های وابسته به باباطاهر دانسته است.^۳

۵- دو بیت:

باین بی آشنائی برکیانشم باین بی خانمائی برکیانشم
همه گر مو برونن واته آییم ته از در گر برونی واکیشم

این دو بیت در ۴۰ نسخه از جمله جنگ خطی شماره ۱۰۹۷ سال ۱۳۰ هـ ق به نام باباطاهر ثبت شده است.^۴

^۱ همان، ص ۶۵

^۲ همان، ص ۶۶

^۳ پیام نو، سال اول، آبان ۱۳۲۲، شماره نهم (به نقل از: اورنگ، م، ص ۶۶).

^۴ اورنگ، م، ص ۶۷

۶- دوبیتی:

بوره سروته دلان تا ما بنالیم بیا پروانه با ما تابنالیم

ز عشق آن گل رعنا بنالیم ز دست یار بی پروا بنالیم

این دوبیتی هم در ۴۰ نسخه از جمله جنگ شماره ۱۰۹۷ کتابخانه شورای اسلامی (شماره یک) به نام باباطاهر ثبت شده است.^۲

تردیدی نیست که امکان دارد که نسخه‌های خطی دیگری در گوشه‌های کتابخانه‌ها باشد که راز بسیاری از این نادانسته‌ها را حل نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ همان، ص ۶۷

^۲ م. اورنگ (همان، ص ۶۷) درست تر آن را چنین آورده است:

بوره ای سروته تا ما بنالیم ز دست یار بی پروا بنالیم

بشیم با بلبل شیدا با گلشن اگر بلبل فناله مسا بنالیم

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ
آتشکده آذر، تهران: امیر کبیر، ج ۱، ۱۴۲۷.
- ۲- اورنگ، م.
سروده‌های باباطاهر همدانی، بی جا، بی نا، بی تا.
- ۳- جمال الدین حسین بن فخر الدین اینجو
فرهنگ جهانگیری، هندوستان (لکنهو)، ج ۲، ۱۲۹۳ هـ.ق.
- ۴- دانش، حسین
سر آمدن سخن، ترکیه
- ۵- شعاع شیرازی
شکرستان پارس، نسخه خطی، حرف پ.
- ۶- صبا، محمد مظفر حسین
تذکره روز روشن، به تصحیح و تحشیه محمد حسین رکن زاده آدمیت، تهران:
کتابخانه رازی، ۱۳۳۳.
- ۷- طهرانی، آقا بزرگ
العذریعه، تهران: طهوری، جلد الف، ۱۳۹۱ هـ.ق.
- ۸- مفید، شیخ (داور)
مرآت الفصاحه، به کوشش دکتر محمود طاوسی، شیراز: نوید، ۱۳۷۱.
- ۹- مقصود، جواد (دکتر) (ویراستار)
شرح احوال و آثار دو بیتی‌های باباطاهر عریان، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶.
- ۱۰- نفیسی، سعید
تاریخ نظم و نثر در ایران در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، تهران،
فروغی، ج ۱، ۱۳۴۴.
- ۱۱- همایی، جلال
تاریخ ادبیات ایران، تبریز، ج ۲، ۱۳۴۰، ج ۲.